

## نحوه ی ادامه کاری «شورای همکاری شکل ها و فعالین کارگری»

سرانجام اولین اتحاد عمل کارگری حول برگزاری مراسم اول ماه مه ۸۶، میان جریان هایی از طیف رادیکال جنبش کارگری ایران صورت گرفت و گمانه زنی ها پیرامون امکان شکل گیری اتحاد عمل فارغ از گرایشات گوناگون نظری، با موفقیت نسبی این اتحاد عمل پایان گرفت و در اولین گام، به درستی این فرض قوت بخشید، که اتحاد و ائتلاف، فارغ از گرایشات گوناگون نظری، امر محالی نیست و جریان های مختلف کارگری، با گرایشات گوناگون می توانند در کنار یکدیگر فعالیت کنند.

تشکل های کارگری متعلق به طیف رادیکال جنبش کارگری، در شرایطی پای چنین ائتلافی رفته اند، که طبقه ی کارگر ایران به رغم مواجهه با شدیدترین تهاجمات سرمایه از تشکیلاتی که بتواند خواست هایش را در سطح سراسری پیگیری کند و بتواند با کارفرمایان و سرمایه داران بر سر مطالبات خویش به چانه زنی بپردازد، برخوردار نیست.

شورای همکاری شکل ها از حدود ۵ ماه پیش، در پی فراخوان «اتحاد کمیته های کارگری» برای دعوت به اتحاد عمل، مرکب از «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری»، «کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری»، «انجمن فرهنگی حمایتی کارگران (آوای کار)»، «اتحاد کمیته های کارگری»، «جمعی از فعالین کارگری» و هم چنین طیفی از دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاه های ایران شکل گرفت و تاکنون با انتشار اطلاعیه هایی در خصوص دستمزد تعیین شده ی سال ۱۳۸۶، توسط شورای عالی کار، حمایت از جنبش معلمان، دعوت از کارگران برای برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه و محکومیت دستگیری محمود صالحی و دفاع از آزادی بدون قید و شرط او، مواضع خود را تا حدودی مشخص کرده است.

هر چند اطلاعیه های تاکنونی شورای همکاری تا حدودی مواضع آن را نشان می دهد و این ارزیابی را به دست می دهد که شورای همکاری متعلق به طیف رادیکال در جنبش کارگری است اما به طور مشخص تدارک مراسم اول ماه مه و همکاری این جریان ها با هم مشخص می کند که شورای همکاری قصد دارد در کدام فضا در جنبش کارگری قدم بردارد. شورای همکاری با انتشار اطلاعیه ی «ما مثل کارگران سراسر دنیا به خیابان می آییم تا اول ماه مه را آزادانه برگزار کنیم و ما آن جا حاضر می شویم که توده ی کارگران حضور دارند»، با برپایی صف مستقل در استادیوم امجدیه، با پلاکاردها و شعارهای مشخص خود، به همراه سندیکای کارگران شرکت واحد، مراسم روز کارگر را برگزار کرد.

شورای همکاری در کنار کارگران سندیکای شرکت واحد، در مراسم تدارک دیده ی شده ی خانه ی کارگر، صف مستقل خود را تشکیل داده و با سر دادن شعارهای مشترک، فضای استادیوم را تحت تأثیر قرار دادند. شورای همکاری و سندیکای شرکت واحد با شعارهای مشترک: تشکل مستقل حق مسلم ماست، تشکل مستقل ایجاد باید گردد، سندیکای مستقل ایجاد باید گردد، سندیکا- تشکل حق مسلم ماست، سندیکا- سندیکا حق مسلم ماست، کارگر زندانی آزاد باید گردد، محمود صالحی آزاد باید گردد، تجلی ای از همبستگی کارگران در این مراسم را به نمایش گذاشتند.

اعضای شورای همکاری و سندیکای کارگران شرکت واحد، بارها از شعارهای یکدیگر پشتیبانی کرده و با شعارهای مشترک، فضای استادیوم را به نفع صف مستقل کارگران تغییر داده و همکاری و همراهی خوبی را به نمایش گذاردند.

برگزاری مراسم اول ماه مه با همکاری نزدیک سندیکا و شورای همکاری را می توان نشانه ای از بلوغ در جنبش کارگری ارزیابی کرد.

مهم ترین عواملی که گام اول شورای همکاری را موفقیت آمیز نمود، به رسمیت شناختن گرایشات مختلف درون شورای همکاری و تا حدودی جاری شدن دمکراسی کارگری در درون صفوف آن بود. بی تردید امکان پذیر شدن این نوع همکاری، بیشتر به واسطه ی روحیه ی دمکرات منش و منعطف فراخوان دهندگان و ترتیب دهندگان این ائتلاف، که با تلاش شبانه روزی، صبورانه امکان چنین همکاری را فراهم کرده اند میسر شده است، که اگر چه تا کنون به عنوان پایه و ستونی برای جاری شدن دمکراسی عمل کرده است، اما بدون ضابطه مند شدن و ایجاد مکانیزم، این دمکراسی نهادینه نخواهد شد و ممکن است در تداوم شورای همکاری موانع جدی پدید آید. اکنون لازم است و می توان این پایه و ستون را به عنوان پلی برای نهادینه کردن دمکراسی کارگری درونی شورا، در نظر گرفت که به کمک آن شورای همکاری با ارائه ی تعریفی از خود و ایجاد مکانیزم، تداوم کار میان جریان های طیف رادیکال ممکن سازد. مکانیزمی که در آن ادامه کاری به گونه ای تضمین شود، که ضمن داشتن تحرک بالا، هیچ جریان و گرایش نظری حذف نشده و در عمل زمینه ی بیشترین مشارکت بین فعالان کارگری درون شورا فراهم شود و این امر کاملاً امکان پذیر است.

هر چند شورای همکاری در اولین پروژه ی خود، موفقیت آمیز عمل کرده است، اما نکته ی قابل تأمل، نحوه ی ارتباط و ائتلاف با سایر جریان ها و فعالان کارگری از یک سو و نحوه ی اتکاء بر وسیع ترین توده ی کارگری از سوی دیگر است. شورای همکاری باید از نحوه ی عمل و سبک خود، تعریف دقیقی ارائه دهد، تا در سایه ی این تعریف به سوی نهادینه کردن دمکراسی در درون خود حرکت کند و با گسترش نقاط اتصال کارگری، حول مواضع رادیکال خود به بحث و تعامل با سایر جریانات بپردازد و صفوف خود را وسیع تر کند. اما لازمه ی پیشبرد چنین امری، بوجود آمدن مکانیزمی برای حرکت و پیشروی است.

آن چه لازم است شورای همکاری پس از اجرای اولین پروژه ی خود به آن بپردازد، ایجاد مکانیزمی برای تنظیم رابطه ی شورای همکاری با سایر تشکل های کارگری، تنظیم رابطه ی درونی جریان ها و عناصر فعال در شورا و تنظیم سیاست ائتلاف با سایر جریانات و فعالان کارگری است. ضرورت وجود چنین مکانیزمی، خود را در نحوه ی پیشبرد بحث سه جانبه گرائی حول قطعنامه ی اول مه ۱۳۸۶، و همچنین بحث های گُلگشت آبشار خور نشان داد. مکانیزمی که ضمن جاری کردن اراده ی حداکثری شورا برای عمل، به تعمیق روابط دمکراتیک در میان خویش پرداخته و ضمن به رسمیت شناختن اختلافات نظری و گرایشات گوناگون که تاکنون به عنوان مهم ترین و برجسته ترین نقطه ی قوت شورای همکاری، عمل کرده، به طوری که ضمن داشتن تحرک بالا، با گسترش سیاست ائتلافی، به انسجام طیف رادیکال در جنبش کارگری یاری رساند. جریانی که رادیکالیسم و دمکراسی کارگری را هم زمان در خود جاری کند.

اما لازمه ی چنین امری آن است که شورای همکاری برای هر مقطع هدف و نحوه ی حرکت خود در آن مرحله را تعریف کرده و به تدوین آن همت گمارد. تا برای جلوگیری از در غلتیدن به اکیونیزم از یک سو، و پرهیز از بحث های انتزاعی و غیر مفید فرسایشی از سوی دیگر، در هر مرحله با تنظیم اسناد شورا، به مرور و در یک پروسه ی زمانی مناسب، به ترسیم خطوط برنامه ای و استراتژیک خود بپردازد و پس از طی مسافتی با گام های عملی سنجیده و طی یک پروسه ی زمانی مناسب خطوط راهبردی خود را بدون شتابزدگی، ترسیم کند. امری که کاملاً ضروری و ممکن است.

برای نمونه ما اکنون شاهد مقوله ی سه جانبه گرایی به عنوان مانعی ذهنی در مقابل گسترش سیاست ائتلافی شورای همکاری با برخی از جریان ها و فعالان کارگری هستیم و لازم است، شورا با هدف پیشبرد یک بحث سازنده، دلایل خود را برای رد سیاست سه جانبه گرایی، به صورت مکتوب در آورده و به عنوان یک سند به جنبش کارگری ارائه کند. با توصیف چنین وضعیتی، می توان نتیجه گرفت، شورای همکاری در راستای منافع جنبش کارگری، ضروری ست پرداختن به موارد زیر را در دستور کار خود داشته باشد:

۱- اتکاء به وسیع ترین توده ی کارگران ۲- گسترش سیاست های ائتلافی ۳- نهادینه کردن دموکراسی کارگری در درون شورا. شورای همکاری فقط با ایجاد تعادل میان این سه پایه ی مهم و اصلی خود می تواند تداوم حرکت خود را تضمین کند. ضامن این تداوم، بستگی تام و تمام به حفظ تعادل و هماهنگی میان این سه پایه ی اصلی دارد. بدیهی است هرگاه به هر کدام از این پایه ها در هر مرحله کم توجهی شود، تعادل شورای همکاری به هم خورده و ادامه کاری آن مختل شده و چه بسا موجب ناکامی و شکست آن شود.

مریم محسنی

۱۳۸۶/۲/۲۴